

The Functions of Gratitude to God in Faithful Living and Their Qur'ānic and Hadith Foundations *

Hassan Sarajzadeh¹ 

1- Assistant Professor, Department of Social Ethics, Research Center for Theology and
Family, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Isfahan, Iran.

h.serajzadeh@isca.ac.ir



Abstract

Gratitude to God is one of the most fundamental teachings of the Qur'ān and Hadith and plays a central role in shaping a life of faith. Gratitude is commonly understood as a response to God's material and spiritual blessings; religious texts, however, present a considerably broader range of circumstances in which it is to be expressed. Employing a descriptive-analytical method, this study seeks to identify the principal functions of gratitude to God in faithful living from the perspective of the Qur'ān and Hadith and to examine how each contributes to a faith-oriented way of life. The findings indicate that gratitude to God operates in four principal contexts, each producing distinct effects on faithful living. First, gratitude for divine blessings leads to an increase in blessings, existential growth, life satisfaction, and moral humility. Second, gratitude upon the loss of blessings—that is, amid afflictions such as the death of loved ones,

*Cite this article: Sarajzadeh, H (2026). The Functions of Gratitude to God in Faithful Living and Their Qur'ānic and Hadith Foundations, *Applied Ethics Studies*, 84(2), 139-170.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.75178.2178>.

□ **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy. ***Type of article:** Research Article

□ **Received:** 2026/10/22 • **Revised:** 2026/01/30 • **Accepted:** 2026/02/16 • **Published online:** 2026/07/01

© 2026 /Authors Retain The Copyright and full publishing rights.



illness, and poverty—fosters resilience, contentment with divine decree, spiritual purification, and inner richness. Third, gratitude for the prevention or removal of afflictions strengthens faith, trust in God, hope, psychological well-being, and God-consciousness. Fourth, gratitude for being granted the divine enablement to fulfil religious obligations, whether devotional or financial, protects believers from self-admiration, transforms duty-based obedience into love-centred devotion, purifies the soul, and brings an expansion of sustenance. The study concludes that gratitude constitutes an active and dynamic system that orders every dimension of faithful living and, under all circumstances, guides believers towards divine approval and spiritual perfection.

Keywords

gratitude to God; faithful living; gratitude for blessings; gratitude amid affliction; gratitude for the prevention and removal of affliction; gratitude for divine enablement.



تطبيقات شكر الله تعالى في الحياة الإيمانية ودلالاتها القرآنية والروائية*

حسن سراج زاده^۱

۱- استاذ مساعد في الأخلاق الاجتماعية، معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران

h.serajzadeh@isca.ac.ir



۱۴۱



کاربردهای شکرگزاری از خداوند در زیست مؤمنانه و دلالت‌های قرآنی و روایی آن

الملخص

يُعَدُّ شكر الله تعالى من أبرز تعاليم القرآن الكريم والروايات، ويؤدي دوراً محورياً في تشكيل الحياة الإيمانية. والشائع أنَّ تطبيقات الشكر تقتصر على شكر الله تعالى على نعمه المادية والمعنوية؛ في حين ترسم النصوص الدينية نطاقاً أوسع من النعم التي تستوجب الشكر. تأسيساً على ذلك، فتسعى هذه الورقة، من خلال المنهج الوصفي - التحليلي، إلى الإجابة عن سؤال جوهري: ما تطبيقات شكر الله تعالى في الحياة الإيمانية من منظور القرآن الكريم والروايات، وما أثر كلٍّ منها في نمط الحياة الإيمانية؟ وأظهرت النتائج أنَّ شكر الله تعالى في الحياة الإيمانية يُمارس في أربعة موارد، لكلٍّ منها أثره الخاص في سياق الحياة الإيمانية: أولاً، الشكر على النعم الإلهية، والذي يفضي إلى زيادة النعمة، والتعالي الوجودي، والرضا عن الحياة، والتواضع الأخلاقي؛ وثانياً، الشكر على فقدان النعم (المصائب)، وهو

***الاستناد إلى هذه المقالة:** سراج زاده، حسن (۲۰۲۶). تطبيقات شكر الله تعالى في الحياة الإيمانية ودلالاتها القرآنية والروائية. *دراسات في الأخلاق التطبيقية*، ۸۴ (۲)، ۱۳۹-۱۷۰.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.75178.2178>.

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: معهد العلوم والثقافة الإسلامية.

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۱۰/۲۲ □ تاريخ التعديل: ۲۰۲۶/۰۱/۳۰ □ تاريخ القبول: ۲۰۲۶/۰۲/۱۶ □ تاريخ الإصدار: ۲۰۲۶/۰۷/۰۱

يشمل وفاة الأُحبة والمرض والفقر، ويشمر الصمود، والرضا بالقضاء الإلهي، والطهارة الروحية، والغنى المعنوي؛ وثالثاً، الشكر على دفع المصائب ورفعها، الذي يعزّز الإيمان والتوكّل والأمل والطمأنينة النفسية والتقوى؛ ورابعاً، الشكر على التوفيق لأداء التكليف الإلهية (العبادية والمالية)، والذي يؤدّي إلى الابتعاد عن العُجب، وتحويل الطاعة التكليفية إلى طاعة قائمة على المحبة، والتطهير الروحي، وتوسعة الرزق. وخلصت الدراسة إلى أنّ الشكر منظومة فعّالة وديناميكية، تنظّم جميع أبعاد الحياة الإيمانية، وتقود المؤمن في جميع أحواله إلى الرضا الإلهي والتعالّي المعنوي.

الكلمات المفتاحية

شكر الله تعالى، الحياة الإيمانية، الشكر على النعم، الشكر على المصائب، الشكر على دفع المصائب ورفعها، الشكر على التوفيق الإلهي.



کاربردهای شکرگزاری از خداوند در زیست مؤمنانه و دلالت‌های

قرآنی و روایی آن*

حسن سراج‌زاده^۱



۱۴۳



کاربردهای شکرگزاری از خداوند در زیست مؤمنانه و دلالت‌های قرآنی و روایی آن

۱- استادیار گروه اخلاق اجتماعی پژوهشکده الهیات و خانواده پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران
 h.serajzadeh@isca.ac.ir

چکیده

شکرگزاری از خداوند یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های قرآن و روایات است که نقش محوری در شکل‌دهی به زیست مؤمنانه ایفا می‌کند. برداشت رایج این است که کاربرد شکرگزاری، محدود به شکر بر نعمت‌های مادی و معنوی خداوند است؛ درحالی‌که متون دینی دامنه‌ای گسترده‌تر از نعمت‌ها را ترسیم می‌کنند. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که کاربردهای شکرگزاری از خداوند در زیست مؤمنانه از منظر قرآن و روایات چیست و هریک از این کاربردها، چه تأثیری در سبک زندگی ایمانی دارد. یافته‌ها نشان داد که شکرگزاری از خداوند در زیست مؤمنانه در چهار مورد به

***استناد به این مقاله:** حسن، سراج‌زاده (۱۴۰۵). کاربردهای شکرگزاری از خداوند در زیست مؤمنانه و دلالت‌های قرآنی و روایی آن. *مطالعات اخلاق کاربردی*، ۸۴ (۲)، صص ۱۳۹-۱۷۰.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.75178.2178>.

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱



© ۲۰۲۶ «نویسندگان، دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند».

کار می‌رود و هر کدام، تأثیر خاص خود را در زیست مؤمنانه دارد: نخست، شکر بر نعمت‌های الهی که به افزایش نعمت، تعالی وجودی، رضایت از زندگی و تواضع اخلاقی می‌انجامد؛ دوم، شکر بر ازدست‌دادن نعمت‌ها (مصیبت‌ها) شامل مرگ عزیزان، بیماری و فقر که تاب‌آوری، رضایت به قضای الهی، طهارت روحی و غنای معنوی را به همراه دارد؛ سوم، شکر بر دفع و رفع مصیبت‌ها که ایمان، توکل، امید، آرامش روانی و تقوا را تقویت می‌کند و چهارم، شکر بر توفیق انجام تکالیف الهی (عبادی و مالی) که موجب دوری از عُجب، تبدیل طاعت تکلیفی به محبت‌محور، پاک‌سازی روحی و توسعه روزی می‌شود. نتیجه آنکه شکر‌گزاری، نظامی فعال و پویاست که تمام ساحت‌های زیست مؤمنانه را سامان می‌دهد و مؤمن را در همه احوال به رضایت الهی و تعالی معنوی می‌رساند.

کلیدواژه‌ها

شکر‌گزاری از خدا، زیست مؤمنانه، شکر بر نعمت، شکر بر مصیبت، شکر بر دفع و رفع مصیبت، شکر بر توفیقات الهی.

۱۴۴



مقدمه

شکرگزاری معمولاً فرایندی «نعمت‌محور» است که سه رکن اصلی دارد: نعمت‌دهنده (مُنعم)، نعمت و دریافت‌کننده نعمت (مُتَنعِم). شکر زمانی تحقق می‌یابد که انسان احساس کند خداوند یا فرد دیگری، امری ارزشمند را بدون استحقاق قبلی یا تلاش متناسب، در اختیار او قرار داده است. در چنین وضعیتی، دریافت‌کننده نعمت درباره نعمت‌دهنده احساس قدردانی پیدا کرده و از او سپاسگزاری می‌کند (سراج‌زاده، ۱۴۰۳، ص ۱۳۹)؛ بنابراین، در شکرگزاری سه عنصر وجود دارد: «نعمت‌دهنده»، «نعمت» و «نعمت‌گیرنده».

با توجه به این سه رکن، کاربرد شکرگزاری را می‌توان از سه منظر بررسی کرد: الف) نعمت‌دهنده (شکر از) که شکرگزاری دو کاربرد دارد: شکر از خالق و شکر از مخلوق؛ ب) نعمت (شکر بر) که شکرگزاری از خدا دو قسم است: شکر بر نعمت‌ها و شکر بر غیر نعمت‌ها؛ ج) نعمت‌گیرنده (شکر کس) که انسان‌ها بر دو گروه‌اند: کسانی که حقوق نعمت‌دهنده را ادا می‌کنند (شاکران) و کسانی که از انجام این وظیفه غفلت می‌کنند (ناسپاسان).

این پژوهش کاربرد شکرگزاری را از منظر دوم، یعنی «شکر بر» بررسی می‌کند. به این معنا که از منظر قرآن و روایات، در زیست مؤمنانه، «بر و بابت» چه چیزهایی باید از خداوند شکرگزاری کرد؟ آیا فقط باید بر نعمت‌های الهی شکرگزاری کرد یا شکرگزاری از خداوند گستره وسیع‌تری دارد؟ افزون‌بر این، در هریک از این کاربردها، شکرگزاری چه تأثیری در زیست مؤمنانه دارد؟

ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که شکرگزاری یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های قرآن، روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام است و بارها مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ» (بقره، ۱۷۲) و «إِنْ أَشْكُرْ لِي» (لقمان، ۱۴). روشن است که عمل به این فرمان الهی بدون شناخت دقیق کاربردها و تأثیر آن بر زیست مؤمنانه ممکن نیست.





برداشت رایج از کاربرد شکرگزاری این است که درخصوص نعمت‌های مادی و معنوی باید از خدا شکرگزاری کرد؛ درحالی که متون دینی دامنه‌ای وسیع‌تر را ترسیم می‌کنند که با زیست مؤمنانه پیوندی عمیق دارد. شکر بر از دست دادن نعمت‌ها (مصیبت‌ها)، شکر بر دفع و رفع مصیبت‌ها و شکر بر توفیق انجام تکالیف الهی ازجمله مواردی است که به آن‌ها در آیات و روایات توجه شده است؛ اما در زیست مؤمنانه امروز کمتر به آن پرداخته می‌شود. این غفلت سبب می‌شود بخش مهمی از شکر الهی ادا نشود و انسان از آثار مادی و معنوی آن در سبک زندگی خود محروم بماند؛ ازاین‌رو، بازخوانی کاربردهای شکرگزاری از خداوند بر پایه قرآن، روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام، ضرورتی معرفتی و عملی به شمار می‌آید که می‌تواند به ارتقای زیست مؤمنانه بینجامد.

درخصوص پیشینه پژوهش، در مقاله «معنا و ابعاد اخلاقی احساس سپاسگزاری» (صادقی، ۱۴۰۴) به بررسی شکر از منظر نعمت‌دهنده پرداخته و تمرکز آن بر «شکر از» است نه «شکر بر» و به کاربردهای شکر در زیست مؤمنانه پرداخته است.

در مقاله «ماهیت و مؤلفه‌های شکر و قدردانی از منظر قرآن و روان‌شناسی مثبت‌گرا» (آجیلیان و دستغیب، ۱۴۰۳) موضوع صبر در برابر مصائب مطرح شده، نه شکر بر مصیبت‌ها و تأثیر آن بر زندگی مؤمنانه. همچنین در مقاله «شکر در قرآن کریم» (شایگان‌مهر، ۱۳۸۵)، کاربرد شکر به نعمت‌های مادی و معنوی محدود شده و از نقش آن در زیست مؤمنانه غفلت شده است.

برخی پژوهش‌ها همچون «حوزه معنایی شکر در قرآن کریم» (مصلایی‌پور و تاجیک، ۱۳۹۳) و «تحلیل زبان‌شناختی واژه‌های حمد و شکر در آیات قرآن کریم...» (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۷) نیز فقط به مباحث معناشناختی شکر پرداخته‌اند. در مقابل، پژوهش‌هایی مانند پایان‌نامه «تأثیر شکر و کفران نعمت در سعادت و شقاوت انسان از دیدگاه قرآن کریم» (حسین‌زاده، ۱۳۹۶)، مقاله «شکرگزاری و آثار آن از دیدگاه قرآن و حدیث» (شعبانی‌زاده، ۱۳۸۹) و «شکر و آرامش انسان در آیات و روایات» (حیدری، ۱۳۹۵)، بیشتر



بر آثار شکر تمرکز داشته‌اند تا کاربردهای آن و پیوند آن با زیست مؤمنانه. ازاین‌رو، جای پژوهشی مستقل درباره کاربردها یا قلمرو و متعلقات شکرگزاری و نقش آن در زیست مؤمنانه همچنان خالی است.

پژوهش حاضر، با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که کاربردهای شکرگزاری از خداوند در زیست مؤمنانه از منظر قرآن و روایات تا چه اندازه است؟ آیا فقط در زمینه نعمت‌های الهی محدود می‌شود یا کاربردی گسترده‌تر دارد؟ و در ادامه، از منظر اخلاق کاربردی، شکرگزاری در هریک از این کاربردها، چه تأثیری در زیست مؤمنانه دارد؟ در پاسخ، نشان داده خواهد شد که انسان مؤمن باید خداوند را برای چهار دسته از امور شکرگزاری کند: ۱. نعمت‌های الهی؛ ۲. از دست دادن نعمت‌ها (مصیبت‌ها)؛ ۳. دفع و رفع مصیبت‌ها؛ ۴. توفیق انجام تکالیف الهی. همچنین نشان داده خواهد شد که شکرگزاری در هریک از این کاربردها می‌تواند تأثیر اساسی در شکل‌دهی به زیست مؤمنانه (اعم از زیست فردی و اجتماعی، روحی و جسمی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی) داشته باشد.

کاربرد شکرگزاری را باید در معنای عامی به نام «هدایا و احسان‌های الهی» دانست؛ مفهومی که «نعمت‌ها»ی الهی فقط بخشی از آن را تشکیل می‌دهند. ازاین‌رو، گاهی این هدیه، امری مطلوب و موافق طبع انسان است که «نعمت» نامیده می‌شود (غزالی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۵۷؛ مصباح یزدی، بی‌تا، جلسه هفتم) و موجب تقویت رضایت از زندگی می‌شود.

گاهی برخلاف میل انسان است؛ اما در حقیقت به سود اوست که در این پژوهش از این هدیه، با عنوان «مصیبت و مصیبت» یاد می‌شود و زیست مؤمنانه را در برابر رنج‌ها تاب‌آور می‌کند. گاهی نیز در قالب دفع یا رفع امور ناخوشایند جلوه کرده و امید را در زندگی مؤمنانه تقویت می‌کند و گاه به صورت توفیقات الهی در انجام تکالیف الهی ظاهر می‌شود که التزام عملی به ارزش‌های دینی را در مؤمن افزایش می‌دهد. بنابراین، کاربرد



شکرگزاری از خداوند در زندگی بر چهار گونه یادشده تبیین می‌شود که در ادامه، این گونه‌ها و تأثیرات آن در زیست مؤمنانه بررسی خواهد شد.

گونه نخست: شکر بر نعمت‌های الهی؛ تقویت رضایت در زیست مؤمنانه

اولین گونه از هدایا و عطایای الهی که در زیست مؤمنانه نقش بنیادین ایفا می‌کند، نعمت‌های خداوند است.

نعمت‌های الهی در زندگی شامل نعمت‌های آشکار و نهان و مادی و معنوی حضرت حق است که باید از این بابت خداوند را سپاس گفت. ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ (لقمان، ۲۰)؛ خداوند نعمت‌های خود را چه آشکار و چه پنهان به تمامی، بر شما ارزانی داشته است.

از نعمت‌های آشکار و مادی خداوند می‌توان به اعضای بدن، آب، هوا، طعام، وسیله نقلیه، پوشاک، مسکن و نعمت‌هایی مانند سلامت، امنیت، ثروت، فرزند، والدین، همسر و... اشاره کرد و نعمت‌های نهان یا معنوی انسان اموری همچون عقل، ایمان به خدا، دین اسلام، ولایت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و هدایت است که این‌ها فقط بخشی از نعمت‌های خداوند است. بااین حال، انسان نه توان شمارش نعمت‌های الهی را دارد: ﴿وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا﴾ (نحل، ۱۸؛ ابراهیم، ۳۴) و نه قدرت ادای کامل شکر آن‌ها را؛ چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «نعمت‌های الهی بیش از آن است که بندگان بتوانند شکر آن را به جای آورند، مگر آنکه خداوند آنان را یاری کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷۸)، همچنین قرآن می‌فرماید: ﴿وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ﴾ (سبأ، ۱۳).

تأثیرات شکر بر نعمت‌ها در زیست مؤمنانه

شکر بر نعمت‌ها تأثیرات گسترده‌ای در زیست مؤمن بر جای می‌گذارد که به چند نمونه از آن در زیر اشاره می‌شود.



۱. افزایش نعمت‌های مادی و معنوی و ایجاد چرخه رشد مداوم: شکر بر نعمت‌ها موجب فزونی نعمت‌هاست. در این باره، امام علی علیه السلام فرمود: «تَمَرَةُ الشُّكْرِ زِيَادَةُ النِّعَمِ؛ ثَمَرَةُ شُكْرِكَ، زِيَادَةُ نِعَمَتِكَ»؛ «همچنین می‌فرماید: «اعْتَمِدُوا الشُّكْرَ فَأَدْنَى نَفْعِهِ الزَّيَادَةُ؛ شُكْرُكُمْ يَزِيدُكُمْ»؛ «شکر را غنیمت بشمارید؛ زیرا کمترین نفع آن افزایش نعمت است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷۹).

۲. تعالی و افزایش ظرفیت وجودی مؤمن: معمولاً تصور عمومی بر این است که شکرگزاری فقط باعث افزایش مادی نعمت‌های بیرونی می‌شود؛ اما با تکیه بر تحلیل دقیق واژگانی، آیه معروف «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم، ۷) نمی‌فرماید «لَا زَيْدَنَّكُمْ» (نعمت‌هایتان را زیاد می‌کنم)؛ بلکه می‌فرماید «لَا زَيْدَنَّكُمْ» (خود شما را رشد می‌دهم و زیاد می‌کنم). مؤمن شاکر با دیدن نعمت‌ها، از تنگ‌نظری مادی فراتر رفته و وسعت روحی پیدا می‌کند و مظهر صفات کمالی حق تعالی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۴۳، ص ۳۲۱).

۳. تقویت رضایت از زندگی: انسان معاصر همواره با کثرت خواهی، حرص، رقابت‌های کاهنده و مقایسه‌های ویران‌کننده دست‌به‌گریبان است. در سبک زندگی مؤمنانه، شکر بر نعمت‌های موجود، ذهن را از تمرکز بیمارگونه بر نداشته‌ها و مقایسه‌ها باز می‌دارد و توجه را به داشته‌های خود معطوف می‌کند. این امر، رضایت از زندگی را به شکلی پایدار تقویت و اضطراب محرومیت را مهار می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک راهکار برای تحقق این امر ارائه می‌دهند: «به کسی که پایین‌تر از شماست بنگرید (و بر داشته‌های خود سپاسگزار خدا باشید) و به کسی که بالاتر از شماست، نگاه نکنید که این کار، برای آنکه نعمت‌های خدا را ناچیز نشمرید، بهتر است» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۲۹).

۴. تواضع اخلاقی و ریشه‌کنی کبر و خودپسندی: یکی از آفات اخلاقی در زیست شخصی، این است که انسان موفقیت‌ها یا دارایی‌های خود را فقط حاصل تلاش و نبوغ انحصاری خود بداند. این تفکر موجب کبر، غرور و بهره‌کشی از دیگران است. شکر بر



نعمت‌ها با بازگرداندن منشأ تمام موهبت‌ها به خداوند (منعم)، حس تواضع اخلاقی را در مؤمن زنده نگاه می‌دارد و به او یادآور می‌شود که این نعمت‌ها، امانت الهی هستند. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (نحل، ۵۳).

گونه دوم: شکر بر از دست دادن نعمت‌ها (مصیبت‌ها)؛ تاب‌آوری و بازتعریف رنج در زیست مؤمنانه

قسم دوم از داده‌های الهی که شکر آن‌ها لازم بوده و نقشی اساسی در تاب‌آوری مؤمنانه دارد، سختی‌ها و مصائب ناشی از فقدان نعمت‌هاست. شکر در برابر این حوادث دشوار است؛ چراکه درک ابعاد بلاها به عنوان الطاف پنهان الهی برای همگان آسان نیست. از این رو، گفته شده: شکر عوام، بر خوردنی‌ها و پوشیدنی‌هاست؛ اما شکر خواص، در همه حالات اعم از آسایش و سختی است (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۳). این رویکرد، زیست مؤمنانه را عمیق کرده و مؤمن را در برابر رنج‌ها، تاب‌آور و راضی به قضای الهی می‌کند.

آری، مواجهه با فقدان‌ها همچون مرگ عزیزان (فقدان حیات)، بیماری (فقدان سلامتی) و فقر (فقدان ثروت) از دشوارترین چالش‌های زیست مؤمنانه است که شکرگزاری در این موقعیت‌های سه‌گانه، نقشی فعال در ترمیم روان و انسجام اخلاقی مؤمن ایفا می‌کند. از دست دادن حیات، سلامت و ثروت به عنوان سه نعمت بزرگ، مصیبتی است که تحمل آن با شکر الهی میسر می‌شود. در ادامه، شکر بر فقدان این نعمت‌ها در قالب سه عنوان الف) شکر بر مرگ عزیزان؛ ب) شکر بر بیماری و ج) شکر بر فقر، واکاوی می‌شود.



الف) شکر بر مرگ عزیزان؛ تعمیق معنای زیست و رضایت به قضای الهی

حیات دنیا توأم با فراز و فرود است و گاه انسان با مرگ عزیزان مواجه می‌شود. در زیست مؤمنانه، این فقدان‌ها نه پایان مسیر، بلکه آغازی برای درک عمیق‌تر هستی و رضایت به قضای الهی تلقی می‌شود؛ لذا شکرگزاری در این موقعیت، از عالی‌ترین مراتب ایمان به شمار می‌رود.

تأثیرات شکر بر مرگ عزیزان در زیست مؤمنانه

تأثیرات عینی شکرگزاری بر مرگ عزیزان در زیست مؤمنانه به شرح زیر است:

۱. پذیرش واقعیت مرگ به عنوان بستر تکامل: شکر بر مصیبت، مرگ را از «پایانی نبودکننده» به «سفری تکاملی و انتقال به سرای باقی» بازتعریف کرده و مانع از ناامیدی مؤمن در بحران می‌شود. ابن عباس شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواجهه با فقدان عزیزان را چنین گزارش می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله نوه خردسال خود را در آغوش داشتند که جان سپرد. ام‌ایمن با صدای بلند گریست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا نزد رسول خدا چنین فریاد می‌زنی؟» ام‌ایمن گفت: «مگر شما گریه نمی‌کنید؟» حضرت فرمودند: «این گریه از سر رحمت است، نه ناشکیبایی.» سپس افزودند: «مؤمن در هر حالی در خیر است و حتی هنگام جان دادن نیز خداوند را حمد و سپاس می‌گوید» (الترمذی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸۰). این آموزه، زیست مؤمنانه را چنان شکل می‌دهد که حتی در سخت‌ترین لحظات فقدان، انسان از مسیر شکرگزاری خارج نشود.

۲. صعود به عالی‌ترین مراتب تسلیم و رضا به قضای الهی: شکر در اوج داغ‌دیدگی، نشانه عبور مؤمن از مرحله «صبر جمیل» به مرحله عالی‌تر یعنی «رضای محض» و تسلیم روحی است. نمونه درخشان این تعالی، کلام حضرت زینب رضی الله عنها پس از واقعه عاشورا است: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» (ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۹۰). این نگاه، رنج را به بستری برای شکوفایی معنوی بدل می‌کند؛ چنان که در سجده زیارت عاشورا نیز این چنین سفارش شده است: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ...». این رویکرد، رنج و فقدان را



در افق شکرگزاری بازتعریف کرده و به مؤمن می آموزد که در سخت ترین شرایط، شالوده ایمانی خود را حفظ کند.

۳. کاهش اضطراب و مهار هیجانات طغیان گر روانی: شکر در فقدان عزیزان، مانعی روانی در برابر جزع و رفتارهای خودتخریبی است و با مهار هیجانات طغیان گر، اضطراب را کاهش می دهد؛ از این رو، معصومین علیهم السلام در ناملایمات ذکر «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۷) را زمزمه می کردند. در روایتی نیز آمده است: «مؤمن اگر نعمتی به او برسد، خدا را سپاس می گوید و اگر مصیبتی به او رسد، خدا را حمد کرده و بر آن شکیبایی می کند» (شهید ثانی، بی تا، ص ۴۵). این رویکرد، زیست مؤمنانه را از دوگانگی خوشی و ناخوشی رها کرده و ثبات روانی می بخشد.

۴. معنابخشی به رنج های زندگی: زیست مؤمنانه بر این اصل استوار است که هیچ حادثه ای خارج از قلمرو حکمت الهی نیست. شکرگزاری در مرگ عزیزان، نگاه انسان را از ظاهر رنج به باطن رحمت منتقل کرده و رنج را معنادار می کند؛ چنان که قرآن می فرماید: «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره، ۲۱۶). امام سجاده علیه السلام نیز در دعای ۳۵ صحیفه سجاده عرضه می دارند: «خدایا! سپاس مرا بر آنچه از من گرفته ای، بیش از سپاس بر آنچه به من بخشیده ای قرار ده» (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، ص ۱۵۸). سیدعلی خان در شرح این عبارت می نویسد: «سلب برخی نعمت ها، گاه عین مصلحت انسان است؛ زیرا بقای آن ها ممکن بود زیان های دینی، اخلاقی یا دنیوی در پی داشته باشد (حسینی مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۸۷). این نگاه، به زیست مؤمنانه عمق بخشیده و مؤمن را از نگرش سطحی رها می کند.

ب) شکر بر بیماری؛ تحول معنوی و ارتقای زیست مؤمنانه

سلامتی از بزرگ ترین نعمت های الهی است؛ با این حال، ابتلا به بیماری گاه گریزناپذیر است. بیماری توأم با رنج است؛ اما به دلیل مصالحی که برای مؤمن دارد، نعمتی پنهان به



تأثیرات شکر بر بیماری در زیست مؤمنانه

شکر در این بستر، کارکردهای زیر را در زیست معنوی مؤمن ایفا می‌کند:

۱. طهارت روحی و کفاره گناهان: شکر بر بیماری، رنج را به «فرستی برای طهارت باطنی» تغییر می‌دهد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که بیماری را بپذیرد و خدا را بر آن شکر کند، آن بیماری کفاره شصت سال گناه او خواهد بود.» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۸). امام کاظم علیه السلام نیز فرمودند: «یک روز تب، کفاره شصت سال است، به شرط آنکه آن را بپذیرد.» وقتی از معنای پذیرش تب (و درد) پرسیدند، فرمودند: «اینکه خدا را حمد و شکر کند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۹). این نگرش، زیست مؤمنانه را از تلقی منفی به رنج، به رویکردی سازنده ارتقا می‌دهد.

۲. هشدار و بیدارباش برای اصلاح سبک زندگی: عافیت مستمر گاه موجب غفلت و کبر می‌شود؛ اما بیماری شوکی وجودی است که ضعف بشر را یادآوری می‌کند تا او را به فروتنی و مهربانی سوق دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر بیماری، فقر و مرگ نبود، هیچ چیز انسان را فروتن نمی‌کرد؛ باین حال، انسان همچنان گستاخ است» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۳). امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «اگر درد و رنج به انسان نمی‌رسید، چگونه از زشتی‌ها دوری می‌کرد، در برابر خدا فروتنی می‌نمود و با مردم مهربان می‌شد؟» سپس به آثار تربیتی بیماری، از جمله تواضع و دعا اشاره کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳،

شمار می‌رود که شکر بر آن، به تعمیق زیست مؤمنانه می‌انجامد. بیماری، به مثابه «آزمون الهی»، در نظام معرفتی اسلام، نه پدیده‌ای فقط زیستی، بلکه «واقعۀ‌ای معنادار» در سیر سلوک است؛ بستری برای ظهور فضایل اخلاقی و تعمیق عبودیت. قرآن کریم هدف از بیماری‌ها و گرفتاری‌ها را تضرع معرفی می‌کند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ» (انعام، ۴۲)؛ از این رو، بیماری در زیست مؤمنانه فرصتی برای ارتقای وجودی انسان است، مشروط بر اینکه با نگرش شکرگزارانه مواجه شود.



ص ۸۸). این هشدارها، مؤمن را به بازنگری در سبک زندگی و اصلاح مسیر دعوت می‌کنند.

۳. کسب پاداش‌های معنوی: شکر بر بیماری، محرومیت‌های عبادی ناشی از بسترنشینی را جبران می‌کند. از امام صادق علیه السلام روایت است: «هر که شبی بیمار شود و آن را به خشنودی و قبولی بپذیرد، ثواب عبادت شصت ساله برایش نوشته شود.» پرسیدند معنی پذیرفتن بیماری چیست؟ فرمود: «از ناراحتی آن به کسی شکایت نکنند (و شکرگزار خدا باشد)» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۹). از امام باقر علیه السلام نیز نقل است: «تب یک شب برابر با عبادت یک سال است و تب دو شب برابر عبادت دو سال و تب سه شب برابر عبادت هفتاد سال است» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۸).

۴. ترفیع درجات و ارتقای رتبه وجودی فاعل اخلاقی: بیماری توأم با شکر، میان‌بری برای نیل به درجات عالی اخلاقی است. به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «انسان گاه دارای مرتبه‌ای در پیشگاه خداوند است که با عمل خویش بدان نمی‌رسد تا آن هنگام که به ابتلای در جسم، آزموده شود و بدین واسطه، به آن مرتبه برسد» (راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۲). در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «برای بنده نزد خدا مقامی است که به آن نرسد، جز به وسیله یکی از دو امر: یا از بین رفتن مالش یا رسیدن بلایی به تنش» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۷). در روایتی دیگر، ایشان تأکید ورزیدند: «خدا مؤمن را به بلا مبتلا کند و سپس او را قطعه قطعه کند تا جاننش را بگیرد و او خدا را بر آن حالت شکر کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۴). این آموزه‌ها نشان می‌دهند بیماری پله‌ای برای ترقی معنوی است.

ج) شکر بر فقر؛ غنای درونی و سبک زندگی مؤمنانه

گاهی انسان از نعمت ثروت مادی محروم شده و تنگ‌دستی را تجربه می‌کند؛ وضعیتی که گاه زمینه ناسپاسی را فراهم می‌آورد. اما در زیست مؤمنانه، فقر نه یک نقص، بلکه فرصتی برای کسب غنای درونی و معنوی تلقی می‌شود که خود شایسته شکرگزاری است.

تأثیرات شکر بر فقر در زیست مؤمنانه

فقر و تنگ‌دستی در منطق و حیانی، فقط محرومیتی اقتصادی نیست؛ بلکه بستری برای تربیت اخلاقی و تعالی معنوی است. آنچه فقر را از رنجی صرف به فرصتی برای تکامل بدل می‌کند، حمد و سپاس بر این حال است که در ادامه، به چند نمونه از تأثیرات آن اشاره می‌شود:

۱. گذار از صبر انفعالی به رضایت فعالانه: شکر بر فقر، برخلاف صبر انفعالی، نشانه رضایت فعالانه از تدبیر الهی است. روایت شده امیرالمؤمنین علی علیه السلام از گروهی بیکار در مسجد پرسید: «در چه حالی هستید؟» گفتند: «ما از توکل کنندگانیم.» حضرت فرمود: «خیر، شما متوکل نیستید؛ متأکل (مفت‌خور) هستید... نشانه توکل شما چیست؟» گفتند: «اگر غذایی بیاییم، می‌خوریم و اگر نیاییم، خویشتن‌داری می‌کنیم.» حضرت فرمود: «سگان نیز چنین می‌کنند.» گفتند: «پس چه کنیم؟» فرمود: «آن گونه که ما عمل می‌کنیم؛ اگر بیاییم، می‌بخشیم و اگر نیاییم، شکر می‌کنیم» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۲۰). این تفاوت نگرش، مؤمن را از زیستی منفعلانه به پویایی شکرگزارانه ارتقا می‌دهد.

۲. برطرف‌شدن فقر و افزایش رزق و نعمت‌های الهی: شکر بر داشته‌های اندک، زمینه فزونی نعمت و روزی را فراهم می‌کند. امام علی علیه السلام فرمود: «شُكْرُ النِّعَمِ يُضَاعِفُهَا وَيَزِيدُهَا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۰۶)؛ شکر نعمت‌ها، آن‌ها را چند برابر کرده و افزایش می‌دهد. ایشان در کلامی دیگر فرمودند: «شُكْرُ الْمُنْعَمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۰۵)؛ شکر نعمت‌دهنده، روزی را زیاد می‌کند؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهم، ۷).

۳. افزایش قدرت تحمل و کاهش دغدغه‌های مادی: با شکرگزاری، تحمل تنگ‌دستی آسان‌تر و دغدغه‌های مادی تعدیل می‌شود. در روایتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فاطمه علیها السلام وارد شدند و ایشان را در حال کار سخت با آسیاب دستی و شیردادن فرزند دیدند. حضرت گریستند و فرمودند: «ای فاطمه! سختی‌های دنیا را به سبب شیرینی‌های آخرت





تحمّل کن.» حضرت زهرا علیها السلام پاسخ دادند: «ای رسول خدا! خداوند را بر همه نعمت‌هایش سپاسگزارم و بر همه نعمت‌های کامل و تمامش شکر می‌گویم» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۴۲). این موضع‌گیری شکرگزارانه حتی در تنگ‌دستی، از مؤلفه‌های بنیادین سبک زندگی ایمانی است.

۴. غنای معنوی و ترفیع درجات: شکر بر تنگ‌دستی، فقر را به پله‌ای برای ترقی تبدیل کرده و مؤمن را به درجاتی می‌رساند که با عبادات عادی دست‌یافتنی نیست. فقر شاکرانه، نگاه انسان را از محرومیت موقت به کمال پایدار معطوف می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «برای بنده نزد خداوند مقامی است که جز با از دست دادن مال یا ابتلای جسمی به آن نمی‌رسد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۷). بدیهی است فرد ناسپاس که به اراده الهی معترض است، از این مقامات محروم خواهد بود.

گونه سوم: شکر بر دورشدن و برطرف‌شدن سختی‌ها (دفع و رفع مصیبت‌ها): تقویت امید و توکل در زیست مؤمنانه

از دیگر هدایای الهی که شایسته سپاسگزاری است دورشدن و همچنین برطرف‌شدن سختی‌ها و مشکلات زندگی است. گاهی انسان از گرفتاری‌ها مصون می‌ماند (دفع مصیبت) و گاهی پس از ابتلا، مشکل او برطرف می‌شود (رفع مصیبت). به سخن دیگر، مواجهه با خطرات و رهایی از بحران‌ها و رنج‌ها دو بخش اساسی دارد: «دفع» (پیشگیری و دوری از وقوع رنج) و «رفع» (برطرف‌شدن رنج جاری). شکرگزاری در این موقعیت‌ها، زیست مؤمنانه را از نگرش منفی به نگرش مثبت و امیدوارانه سوق می‌دهد و مؤمن را از یأس و ناامیدی رها می‌کند. در این قسمت، ابتدا شکرگزاری بر «دورشدن و دفع سختی‌ها» و سپس شکرگزاری بر «برطرف‌شدن و رفع سختی‌ها» و تأثیر آن در زیست مؤمنانه بیان می‌شود.



الف) شکر بر دورشدن سختی‌ها (دفع مصیبت)؛ تقویت نگاه توحیدی به زندگی

در نظام معرفتی اسلام، زندگی انسان همواره در معرض تهدیدها و آفت‌های گوناگونی قرار دارد که اگر خداوند به لطف خود آن‌ها را دفع نکند، زندگی مؤمن را با بحران‌های جدی روبه‌رو خواهد کرد. «دفع بلا و مصیبت» به معنای دورشدن و مصون‌ماندن از سختی‌ها، گرفتاری‌ها و خطرهای پیش از وقوع است؛ خواه این بلاها عذاب‌های الهی باشند، خواه ظلم ستمگران، خواه بیماری‌ها و مصیبت‌های ناگهانی و خواه لغزش در گناه و معصیت. در این میان، آنچه دفع بلا را از یک پدیده صرفاً اتفاقی به هدیه الهی و شایسته سپاسگزاری تبدیل می‌کند، این است که مؤمن با نگاه توحیدی درمی‌یابد که مصون‌ماندن از بلاها، نتیجه لطف و عنایت خداوند است و اگر خدا نمی‌خواست، هیچ‌کس نمی‌توانست از گزند بلاها در امان بماند. از این رو، شکرگزاری بر دفع بلاها، نه یک واکنش احساسی، بلکه نظامی فعال برای تعمیق زیست مؤمنانه است که مؤمن را به یاد نعمت‌های پنهان الهی می‌اندازد و او را از غفلت و ناسپاسی رها می‌کند. امام باقر علیه السلام درباره سیره نیکوی امام سجاد علیه السلام می‌فرماید که آن حضرت هرگاه نعمتی از نعمت‌های الهی را به یاد می‌آورد، سجده می‌کرد و هرگاه بدی یا حيله‌ای نیز از او دفع می‌شد، (به شکرانه آن) سجده شکر به جای می‌آورد (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۳).

تأثیرات شکر بر دورشدن سختی‌ها در زیست مؤمنانه

تأثیرات این نوع از شکرگزاری در زیست مؤمنانه به شرح ذیل است.

۱. تقویت ایمان و خداشناسی: شکرگزاری بر دفع بلاها، مؤمن را متوجه نعمت‌های پنهانی می‌کند که از آن غافل بوده است. انسان‌ها معمولاً به نعمت‌های آشکار و مشهود توجه دارند؛ اما مصون‌ماندن از بلاها و خطراتی که ممکن بود برای او رخ دهد، نعمتی است که فقط با تأمل و شکرگزاری درک می‌شود. امام علی علیه السلام در پاسخ به این پرسش که چرا خدا را شکر می‌کند، فرمودند: «نَظَرْتُ فِي الْبَلَاءِ الَّذِي وَقَانِي اللَّهُ مِنْهُ وَابْتُلِي بِهِ غَيْرِي، فَعَلِمْتُ أَنَّ



اللَّهُ قَدْ أَنْعَمَ عَلَيَّ، فَحَمِدْتُ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۳)؛ در بلاهایی که خداوند مرا از آنها حفظ کرده و دیگران را بدان مبتلا کرده است، اندیشیدم و دانستم که خداوند بر من نعمت ارزانی داشته است؛ از این رو، او را سپاس گفتم. این نگاه توحیدی، ایمان مؤمن را عمیق تر می کند و او را به یادآوری نعمت دهنده واداشته و معرفت او را به خدا افزایش می دهد.

۲. افزایش آرامش روانی و رهایی از یأس و ناامیدی و تقویت همدلی اجتماعی: شکرگزاری بر دفع بلاها، مؤمن را از دام یأس و ناامیدی نجات می دهد و به او آرامش روانی می بخشد. انسان شاکر با این نگاه که خداوند او را از خطرهای و گرفتاری ها حفظ کرده است، به لطف و عنایت الهی امیدوار می شود و از نگرانی درباره آینده رها می شود. همچنین، شکر بر دفع بلا موجب تقویت همدلی اجتماعی شده و حس خودبرتربینی کاذب در برابر گرفتاران را نابود می کند. رسول خدا ﷺ در این باره، می فرمایند: «چون گرفتاران و درمندان را دیدید، خدا را شکر کنید؛ اما به گونه ای که آنان نشنوند؛ زیرا موجب اندوه آنان می شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۸). امام صادق (ع) نیز فرمود: «هر کس چشمش به شخص غمگین و دردمندی یا عضو بریده ای یا گرفتاری افتاد، در دل خود بدون آنکه به گوش او برسد، سه بار بگوید: حمد مخصوص خدایی است که مرا از آنچه تو را بدان گرفتار کرده، عافیت بخشید و اگر خدا می خواست با من هم چنین می کرد تا بدین وسیله، هرگز آن بلا به او نرسد» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۲۶۷). این شکرگزاری، مؤمن را از نگرش منفی به زندگی و هم نوعان رها کرده و زیست مؤمنانه را در فضای امید و همدلی معنا می بخشد.

۳. تعمیق حس توکل و اعتماد به قدرت الهی: شکرگزاری بر دفع بلاها، اعتماد مؤمن را به قدرت لایزال الهی بیشتر کرده و حس توکل را در او تقویت می کند. مؤمن شاکر با درک این حقیقت که فقط خداست که می تواند بلاها را دفع کند، وابستگی خود را به غیر خدا کم کرده و توکل خود را بر خداوند افزایش می دهد. قرآن کریم در داستان



حضرت نوح علیه السلام پس از نجات مؤمنان از عذاب الهی می‌فرماید: ﴿فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (مؤمنون، ۲۸)؛ «و چون تو با آنان که همراه تو اند بر کشتی نشستی، بگو: ستایش خدایی را که ما را از [چنگ] گروه ستمکاران رهانید.» قرآن درباره خاندان لوط نیز می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ﴾ (قمر، ۳۴ و ۳۵)؛ «همانا ما بر آن‌ها تندبادی که ریگ‌ها را به حرکت درمی‌آورد فرستادیم...؛ جز خاندان لوط را که سحرگاهان آن‌ها را نجات دادیم. این گونه کسانی را که سپاسگزارند پاداش می‌دهیم.» این شکرگزاری، مؤمن را به یاد نعمت‌های الهی می‌اندازد و توکل او را بر خداوند استوار می‌کند.

۴. تقویت تقوا و تعهد اخلاقی و صیانت از آن: بزرگ‌ترین بلا، سقوط در درهٔ رذیلت اخلاقی و آلوده شدن به گناه و معصیت الهی است. اگر انسان در شرایطی که زمینه گناه و بروز رذایل اخلاقی همچون غضب، حسد، دروغ و غیبت فراهم است، بتواند از نافرمانی خداوند دوری کند، باید این توفیق الهی را قدر بداند و سپاسگزار باشد؛ زیرا این توفیق به تقویت تقوا و پاک‌دامنی و تعهد اخلاقی و صیانت از آن، در زیست مؤمنانه می‌انجامد. امام علی علیه السلام درباره نعمت دوری از گناه می‌فرماید: «نَحْمَدُهُ عَلَى مَا ذَاكَ عَنْهُ مِنَ الْمَعْصِيَةِ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۹۴، ص ۳۰۷)؛ خدا را سپاسگزاریم که ما را از معصیت و نافرمانی خودش باز داشت. این شکرگزاری، مؤمن را از غفلت در برابر معاصی الهی رها کرده و زیست مؤمنانه را در مسیر طاعت و بندگی استوار می‌کند.

ب) شکر بر برطرف شدن سختی‌ها (رفع مصیبت)؛ تقویت امید و ایمان

در گستره شکرگزاری، پس از بررسی «دفع بلا و مصیبت» (مصون ماندن از سختی‌ها)، به مرحله‌ای دیگر می‌رسیم که از آن با عنوان «رفع بلا و مصیبت» یاد می‌شود. اگر دفع بلا به معنای پیش‌گیری و مصونیت از رنج‌هاست، رفع بلا به معنای برطرف شدن و پایان یافتن



رنجی است که قبلاً به انسان رسیده است. این مرحله، تجربه‌ای عمیق‌تر از شکرگزاری را می‌طلبد؛ زیرا مؤمن پس از تحمل رنج و سختی، بار دیگر طعم آسایش و عافیت را می‌چشد و این بازگشت، خود نعمتی والا و شایسته سپاسگزاری است. رفع بلا و اتمام رنج، یکی از مصادیق بارز «هدایا و احسان‌های الهی» است. این رهایی، چه از یک بیماری باشد، چه از یک خطر جانی، چه از یک اندوه روحی و چه حتی از یک ناراحتی جسمی کوچک، همه و همه جلوه‌هایی از لطف الهی هستند که شایسته ستایش و سپاسگزاری‌اند. امام باقر (ع) در آداب تخلی به این نکته ظریف اشاره کرده و پس از قضای حاجت، سفارش می‌کنند به گفتن: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَّاطَ عَنِّي الْأَذَى؛ ستایش خداوندی که ناراحتی جسمی را از من برطرف کرد» (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ص ۵۰). این امر نشان می‌دهد که شکرگزاری حتی در برابر رفع کوچک‌ترین رنج‌ها، جایگاهی والا در سیره معصومان (ع) دارد و نقش آن در تعمیق زیست مؤمنانه، انکارشدنی است.

تأثیرات شکر بر برطرف‌شدن سختی‌ها در زیست مؤمنانه

شکر بر رفع سختی‌ها می‌تواند تأثیرات مثبتی در زیست مؤمنانه داشته باشد که در زیر به آن اشاره می‌شود.

۱. پیشگیری از طغیان: بسیاری پس از رفع سختی، خدا را فراموش می‌کنند و دچار طغیان می‌شوند. شکر رفع بلا، مانع این سرکشی است. قرآن در آیه ۲۳ سوره یونس درباره این طغیان هشدار جدی داده است: «هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ... لَئِنْ أَتَجَنَّبْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ. فَلَمَّا أَتَجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَنْتُحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (یونس، ۲۲ و ۲۳).

۲. درک نعمت‌ها و رهایی از غفلت‌ها: یکی از مصادیق رفع بلاها، رفع بیماری و بازیابی نعمت سلامت است. نمونه‌ای از شکرگزاری بر رفع بیماری، در ماجرای بیماری امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است. امام علی (ع)، حضرت زهرا (ع) و فضه نذر کردند



که در صورت بهبودی حسنین علیه السلام سه روز، روزه بگیرند و با این شکر عملی، زمینه نزول سوره «هل أتى» فراهم شد. هریک از امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام فرمودند: «إِنْ بَرِئَ وَلَدَايَ مِنَّا بِهَمَا صُمْتُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ اگر دو فرزندم از بیماری رهایی یابند، سه روز به خاطر سپاسگزاری از خداوند متعال روزه می گیرم» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۲۳). شکرگزاری پس از رفع بیماری، انسان را از غفلت درباره نعمت های الهی رها کرده و آن ها را بازمی شناساند. این نگرش، زیست مؤمنانه را از عادت زدگی به نعمت ها رها کرده و بستری برای درک بهتر الطاف پنهان الهی فراهم می کند.

۳. تقویت ایمان و توحید: افزون بر اینکه شکر بر رفع بلا، انسان را از غفلت درباره «نعمت ها»ی الهی رها می کند، او را از غفلت درباره «صاحب نعمت» نیز آزاد می کند. بازگشت نعمت از دست رفته (همچون نعمت سلامتی، آرامش، ثروت و...)، پرده غفلت را از برابر چشم مؤمن کنار می زند و او را به درک عمیق تر منبع نعمت رهنمون می کند. مؤمنی که پس از رفع رنج، از خدا شکرگزاری می کند، از سطح شکر عادی فراتر رفته و از «نعمت» به «مُنعم» می رسد. او درمی یابد که هم بیماری و هم بهبودی، هم فقر و هم ثروت، هم نگرانی و هم آرامش، هر دو از سوی خداست و این آگاهی، ایمان و توحید افعالی او را در تمام شئون زندگی تقویت و تثبیت می کند. از این رو، امام سجاده علیه السلام در دعای ۱۵ صحیفه سجاده، هم بیماری و هم سلامت را به خدا نسبت داده و برای هر دو از خداوند سپاسگزاری می کند: «فَمَا أَدْرِي يَا إِلَهِي أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَأَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؟ أَوْقْتُ الصَّحَّةِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ؟» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹). افزون بر این، شکرگزاری از خدا برای رفع بیماری، نگاه مؤمن را از علل مادی رهایی داده و به سوی منبع لایزال الهی معطوف می کند و این، بنیاد زندگی مؤمنانه را استحکام می بخشد.

۴. تقویت امید، زدودن خشم های مکتوم از تقدیر و تسکین روحی: افزون بر رفع رنج های جسمی، رفع رنج های روحی نیز از مصادیق رفع بلاهاست که غم و اندوه ناشی از



بیماری، فقر، تنهایی، جدایی، فشارهای زندگی و از دست دادن عزیزان، نمونه‌هایی از آن است. همان‌طور که هجوم اندوه و اضطراب یک «ابتلای روحی سنگین» است، رفع آن و بازگشت به آرامش و بهجت روحی نیز یکی از بزرگ‌ترین و در عین حال، ناملموس‌ترین هدایای الهی است. انسانِ اندوهگین دچار انقباض روحی (قبض) می‌شود. در این حالت، توان انجام کارهای نیک، همدلی با دیگران و حتی عبادت با نشاط از او سلب می‌شود. وقتی این وزنه‌های سنگین روحی از روی قلب مؤمن برداشته می‌شود، نباید این آسودگی را فقط یک فرایند طبیعی گذشت زمان تلقی کرد؛ بلکه این لطفی از طرف خداست که شکرگزاری برای آن، در حیات روحی مؤمن امیدسازی و مثبت‌نگری ایجاد می‌کند؛ زیرا مؤمن با گفتن حمد بابت رفع غم، به‌طور تجربی درمی‌یابد که خدا که در آیات ۵ و ۶ سورة انشراح فرموده است ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾، یک حقیقت عینی است. این تجربه، امید او را برای زندگی و مقابله‌های بعدی با سختی‌ها زیاد می‌کند. گاهی اندوه بلندمدت نیز به‌طور ناخودآگاه لایه‌های گله‌مندی یا خشم به مقدرات الهی را در دل انسان باقی می‌گذارد. شکرگزاری برای رفع اندوه، قلب را از کینه یا کدورت مکتوم به ساحت ربوبی پاک می‌کند. افزون‌بر این، شکر بر رفع بلا مایه شتاب‌بخشی به فرایند التیام روحی پس‌از حوادث سهمگین است و سپاسگزاری بهشتیان در آیه ۳۴ سورة فاطر ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ﴾، نشان‌دهنده همین تسکین روحی است.

گونه چهارم: شکر بر توفیقات الهی در انجام تکالیف؛ تعمیق التزام عملی در زیست مؤمنانه

چهارمین هدیه الهی که شکرگزاری از آن لازم است، توفیق انجام تکالیف و دستورات خداوند است. افزون‌بر نعمت‌ها، سلب نعمت‌ها (مصیبت‌ها) و دفع و رفع مصیبت‌ها، موفقیت انسان در انجام وظایف عبادی، اقتصادی، اخلاقی و حقوقی نیز هدیه‌ای الهی است که شکرگزاری از آن به تعمیق التزام عملی در زندگی مؤمنانه می‌انجامد. اگر انسان بتواند بر

و سوسه‌های نفسانی و شیطانی غلبه کرده و فرمان خدا را اطاعت کند، باید این توفیق را از خدا دانسته و سپاسگزار او باشد؛ زیرا این توفیق، نشانه‌ای از عنایت الهی به مؤمن و زمینه‌ای برای تقویت اراده و حس مسئولیت در حیات معنوی اوست.

تأثیرات شکر بر توفیقات الهی در زیست مؤمنانه

تکالیف الهی گستره وسیعی را در بر می‌گیرد و در اینجا فقط به بحث شکرگزاری برای توفیق بر انجام تکالیف عبادی همچون نماز و تکالیف مالی همچون پرداخت خمس و زکات اشاره شده و تأثیرات این دو شکر در زیست اخلاقی و معنوی مؤمن بررسی می‌شود. در ادامه، ابتدا دو تأثیر شکر برای توفیق بر انجام تکالیف عبادی و سپس دو تأثیر شکر برای توفیق بر انجام تکالیف مالی آمده است.

۱۶۳



کاربردهای شکرگزاری از خداوند در زیست مؤمنانه و دلالت‌های قرآنی و روایی آن

۱. دوری از عُجب و پرورش روحیه تواضع: در سخنی از امام باقر علیه السلام درباره شکر بر توفیق عبادت الهی، آمده است: «حمد مخصوص خدایی است که بر ما منت نهاده و ما را برای پرستش خود توفیق داده است» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۹۳). در خصوص عبادت نماز نیز از سیره امام سجاده علیه السلام نقل شده است که آن حضرت، پس از نماز واجب، سجده شکر به جا می‌آورد (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۳). امام رضا علیه السلام نیز فرموده‌اند: «سجده پس از نماز واجب، شکر توفیق انجام آن عبادت است و کمترین ذکر آن سه مرتبه «شُکراً لِلّهِ» است». به گفته ایشان، معنای این سجده آن است که بنده، خدا را بر توفیق انجام واجب الهی سپاس می‌گوید (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۸۱). یکی از تأثیرات شکر بر عبادت و نماز، دوری از رذایل اخلاقی همچون عُجب و تکبر است؛ زیرا یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های روحی که متوجه برخی افراد پایبند به تکالیف عبادی می‌شود، لغزش به ورطه «عُجب عبادی» و احساس خودبرتربینی به کسانی است که توفیق کمتری در طاعات دارند. شکرگزاری پس از نماز، مکانیسمی شناختی است که کانون توجه مؤمن را از «من فاعل» به «او که توفیق داد» تغییر می‌دهد. مؤمن با اعتراف به اینکه ایستادن او بر سجاده طاعت، منتی از جانب خداوند بوده، در برابر خلق و خالق متواضع می‌شود.



۲. تبدیل طاعت تکلیفی به طاعت محبت‌محور: وقتی مؤمن پس از نماز واجب، سجده شکر به جا می‌آورد، در واقع یک «پایان‌بندی مثبت و مسرت‌بخش» برای تکلیف خود رقم می‌زند. او تکلیف را با حس فرسودگی یا گریز به پایان نمی‌برد؛ بلکه آن را با شادمانی برای کسب این فرصت ارتباطی پیوند می‌زند. این روند، ذهن را برای طاعات بعدی مشتاق‌تر کرده و عبادت را از یک «بار اخلاقی سنگین» به یک «امتیاز امیدبخش» تبدیل می‌کند. به سخن دیگر، مؤمنی که برای توفیق بر نماز، شکرگزاری می‌کند، خود را «بدهکار محبت الهی» می‌یابد، نه طلبکار. این نوع رابطه محبت‌محور با خداوند، مؤمن را به سمتی سوق می‌دهد که لذت این توفیق عبادی را بجشد و مشتاق ارتباط با خدا و طاعت او بشود.

۳. پاک‌سازی روحی مؤمن: یکی از تکالیف مالی، پرداخت زکات و خمس است. در روایات، پرداخت زکات (و خمس) به عنوان شکر عملی دارایی و اموال بر شمرده شده است که این شکر، تأثیراتی در زیست مؤمنانه دارد. امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمودند: «...وَمَنْ أَدَّى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۸)؛ خداوند برای فقرا، در اموال ثروتمندان اموری را واجب کرده که این واجب، پرداخت زکات (و خمس) مال است. هر کس آنچه را بر او واجب شده است، انجام دهد، شکر (عملی) نعمتی را که خداوند در مال او قرار داده به جای آورده است. در سخنان امام علی (علیه السلام) نیز از اینکه خداوند توفیق طاعت و فرمانبرداری از دستورات الهی (و از جمله تکالیف مالی) را داده، خداوند را سپاس گفته و فرموده‌اند: «خدا را سپاسگزاریم که توفیق فرمانبرداری از دستوراتش را به ما داده است» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۹۴، ص ۳۰۷). چنین شکرگزاری عملی تأثیراتی را در زیست اخلاقی و معنوی مؤمن دارد که از جمله آن پاک‌سازی روحی است. ثروت به طور طبیعی مایه دل‌بستگی شدید و بخل است. اولین تأثیر پرداخت خمس و زکات به عنوان شکر عملی، پاک کردن دل مؤمن از بخل شدید است. این عمل، وابستگی اسارت‌بار به مادیات را قطع کرده و به مؤمن آزادی معنوی می‌بخشد.

قرآن کریم این کارکرد تربیتی و تطهیرکننده را در آیه ۱۰۳ سوره توبه به صراحت ذکر کرده است.

۴. توسعه روزی و محافظت از اموال در برابر حوادث: در محاسبات مادی، بخشیدن اموال سبب کاهش ثروت است؛ اما در اندیشه اسلامی، شکر عملی اموال یعنی پرداخت خمس و زکات، عامل برکت، رویش و حفظ دارایی از نابودی و حوادث روزگار است. این کارکرد، امنیت اقتصادی مؤمن را در سایه حمایت از اموال تثبیت می کند. قرآن کریم این قانون را در آیه ۳۹ سوره سبأ این گونه اعلام می کند: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛ «و هر چه را انفاق کنید، خداوند جای آن را پُر می کند و او بهترین روزی دهندگان است».

۱۶۵





نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی کاربردهای شکرگزاری از خداوند در زیست مؤمنانه بر پایه قرآن، روایات و سیره معصومان (علیهم‌السلام) و بررسی تأثیرات این شکرگزاری در زیست مؤمنانه تدوین شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دامنۀ شکرگزاری در متون دینی، فراتر از نعمت‌های مادی و معنوی رایج است و چهار گونه اصلی را به همراه تأثیرات آن در زیست مؤمنانه در بر می‌گیرد:

گونه نخست: شکر بر نعمت‌های الهی که شامل نعمت‌های آشکار و مادی و نعمت‌های نهان و معنوی است و چهار تأثیر در زیست مؤمنانه دارد: ۱. افزایش نعمت‌های مادی و معنوی و ایجاد چرخۀ رشد مداوم؛ ۲. تعالی و افزایش ظرفیت وجودی مؤمن؛ ۳. تقویت رضایت از زندگی؛ ۴. تواضع اخلاقی و ریشه‌کنی کبر و خودپسندی.

گونه دوم: شکر بر از دست دادن نعمت‌ها (مصیبت‌ها) که سه قسم اصلی دارد:

(الف) شکر بر مرگ عزیزان با چهار تأثیر: ۱. پذیرش واقعیت مرگ به عنوان بستر تکامل؛ ۲. صعود به عالی‌ترین مراتب تسلیم و رضا به قضای الهی؛ ۳. کاهش اضطراب و مهار هیجانات طغیان‌گر روانی؛ ۴. معنا بخشی به رنج‌های زندگی.

(ب) شکر بر بیماری با چهار تأثیر: ۱. طهارت روحی و کفارۀ گناهان؛ ۲. هشدار و بیدار باش برای اصلاح سبک زندگی؛ ۳. کسب پاداش‌های معنوی؛ ۴. ترفیع درجات و ارتقای رتبه و وجودی فاعل اخلاقی.

(ج) شکر بر فقر با چهار تأثیر: ۱. گذار از صبر انفعالی به رضایت فعالانه؛ ۲. برطرف شدن فقر و افزایش رزق و نعمت‌های الهی؛ ۳. افزایش قدرت تحمل و کاهش دغدغه‌های مادی؛ ۴. غنای معنوی و ترفیع درجات.



گونه سوم: شکر بر دور شدن و برطرف شدن سختی‌ها (دفع و رفع مصیبت‌ها) که

شامل دو قسم اصلی است:

الف) شکر بر دور شدن سختی‌ها (دفع مصیبت) با چهار تأثیر: ۱. تقویت ایمان و خداشناسی؛ ۲. افزایش آرامش روانی و رهایی از یأس و ناامیدی و تقویت همدلی اجتماعی؛ ۳. تعمیق حس توکل و اعتماد به قدرت الهی؛ ۴. تقویت تقوا و تعهد اخلاقی و صیانت از آن.

ب) شکر بر برطرف شدن سختی‌ها (رفع مصیبت) با چهار تأثیر: ۱. پیشگیری از طغیان؛ ۲. درک نعمت‌ها و رهایی از غفلت‌ها؛ ۳. تقویت ایمان و توحید؛ ۴. تقویت امید، زدودن خشم‌های مکتوم از تقدیر و تسکین روحی.

گونه چهارم: شکر بر توفیقات الهی در انجام تکالیف که شامل دو قسم تکالیف عبادی (نماز) و تکالیف مالی (خمس و زکات) است و چهار تأثیر در زیست مؤمنانه دارد: ۱. دوری از عجب و پرورش روحیه تواضع؛ ۲. تبدیل طاعت تکلیفی به طاعت محبت‌محور؛ ۳. پاک‌سازی روحی مؤمن؛ ۴. توسعه روزی و محافظت از اموال در برابر حوادث.

در مجموع، نتیجه اساسی این پژوهش که با حمایت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی انجام گرفته، آن است که شکرگزاری فقط یک فضیلت اخلاقی فردی یا واکنشی احساسی به نعمت‌ها نیست؛ بلکه نظامی فعال و پویاست که تمام ساحت‌های زیست مؤمنانه (فردی و اجتماعی، روحی و جسمی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی) را سامان می‌دهد.

شکر در این نگاه، نه فقط «سپاس بر گذشته»، بلکه «نگرشی آینده‌ساز» است که ظرفیت وجودی مؤمن را گسترش می‌دهد، اضطراب‌ها و رنج‌ها را معنا می‌بخشد، همدلی اجتماعی را تقویت می‌کند، توکل و امید را نهادینه می‌کند و رابطه انسان با خدا را از رابطه‌ای تکلیف‌محور به رابطه‌ای محبت‌محور ارتقا می‌دهد.

بدین ترتیب، شکرگزاری از خداوند نه یک آموزه حاشیه‌ای، بلکه یکی از بنیادین‌ترین ارکان سبک زندگی ایمانی است که تحقق آن در تمامی اقسام و کاربردهای چهارگانه، زیست مؤمنانه را در تمامی ابعاد متحول و متعالی می‌کند.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الأملی. تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: نشر جهان.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: داوری.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب علیه السلام. قم: علامه.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۶ق). فلاح السائل و نجاح المسائل. قم: بوستان کتاب.

ابن نما حلی، جعفر بن محمد. (۱۴۰۶ق). مشیر الأحرار (چ ۳). قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.

الترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۲۱ق). الشرائع المحمدیه. بیروت: دارالمعرفه.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر

تبلیغات اسلامی.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتاب

الإسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۷). تفسیر تسنیم (ج ۴۳). قم: اسراء.

حسینی مدنی شیرازی، سید علی خان (کبیر). (۱۴۰۹ق). ریاض السالکین. قم: دفتر انتشارات

اسلامی.

دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ق). إرشاد القلوب إلى الصواب. قم: الشریف الرضی.

راوندی، سعید بن هبة الله (قطب الدین). (۱۴۰۷ق). الدعوات. قم: انتشارات مدرسه

امام مهدی علیه السلام.





سراج زاده، حسن. (۱۴۰۳). موانع شکرگزاری در زندگی از منظر متون اسلامی. *مطالعات اخلاق کاربردی*، ۳ (۷۷)، صص ۱۳۳-۱۶۳.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. (بی تا). *مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد*. قم: بصیرتی. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق). *مکارم الأخلاق* (چ ۴). قم: الشریف الرضی. طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق)، *مشكاة الأنوار في غرر الأخبار* (چ ۲). نجف: المكتبة الحیدریة.

غزالی، محمد بن محمد (أبو حامد). (بی تا). *إحياء علوم الدين* (ج ۶). بیروت: دار الجیل. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی* (چ ۴). تهران: دارالکتب الإسلامية. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار* (بی تا). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۵). *دانشنامه احادیث پزشکی* (ترجمه حسین صابری). قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر. مصباح یزدی، محمد تقی. (بی تا). *شرح خطبه فدکیه*.

<https://mesbahyazdi.ir>.

نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).